

آشنایی با «آشنای حق»

رحیم قاسمی

آشنای حق

شرح احوال و افکار آقا محمد بیدآبادی

متوفای ۱۱۹۸ هـ. ق.

تالیف: علی صدراعی خوبی

آقا محمد بیدآبادی، حکیم و عارف مشهور، از عالمان فرزانه‌ایست که در شهر فضیلت پرور اصفهان ساکن بوده و فضای معنوی اصفهان را از نورانیت و برکات وجودی خویش متأثر و بهره‌مند نموده است. نقش بسیار مهم او در انتقال میراث فلسفی مکتب صدرالمآلهین محتاج بیان و توضیح نیست.

مرقد مطهر این عارف الهی نیز در تخت فولاد از اماکن متبرکه و نورانی و مطاف اهل دل

می‌باشد. محقق ارجمند جناب آقای صدرائی خوئی در راستای معرفی این حکیم فرزانه اقدام به نگارش کتابی به نام «آشنای حق» نموده‌اند که در سال جاری به چاپ رسیده است. این کتاب از جهت جامعیت و ارائه مطالب جدید، بسیار باارزش است و مطالعه آن برای تمامی علاقه‌مندان به مطالعه گذشته پر افتخار حوزه اصفهان مفید می‌باشد. (۱)

از آنجاکه در کتاب مفصلاً به تاریخ و سیره عملی و آراء علمی و سلوکی مرحوم بیدآبادی پرداخته شده و ایشان را از منظر شاگردان و شرح حال نویسان شناسانده‌اند سخن را در باره این شخصیت بزرگ کوتاه نموده و نوشته استاد شهید مطهری را که در کتاب نقل نشده ذکر کرده و به تماشای چهرهٔ پرفروغ حکیم بیدآبادی از منظر حکیم نامور، شهید مطهری، می‌نشینیم.

استاد شهید در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران فلاسفه دوره اسلامی را در ۳۳ طبقه معرفی کرده و در طبقه ۲۷ این بزرگان را جای داده است: آقا محمد بیدآبادی، ملا مهدی نراقی، میرزا ابوالقاسم حسینی خاتون آبادی و ملا محراب گیلانی. و در باره آقا محمد چنین می‌نویسد:

«۱- آقا محمد بیدآبادی گیلانی اصفهانی از اعظم حکمای قرون اخیر و احیاکننده فلسفه ملاصدرا است. از زمان صدرالمتألهین به بعد هر چند افکار و اندیشه‌های او در میان فضلا، خصوصاً آنان که سلسله شاگردیشان به خود وی می‌رسیده، مطرح بوده است ولی ظاهراً هنوز موج افکار پیشینیان از قبیل بوعلی و شیخ اشراق غلبه داشته است؛ خصوصاً نحله‌هایی که از میرفندرسکی و سپس ملا رجبعلی تبریزی انشعب یافته است.

چنان که می‌دانیم - و خود ملاصدرا نیز بازگو می‌کند - ملاصدرا در زمان خودش شهرت و احترامی نداشته است و مانند یکی از طلاب عادی زندگی می‌کرده. در صورتی که ملا رجبعلی تبریزی، مثلاً، که تقریباً معاصر اوست در مرحله‌ای از احترام بوده که شاه و وزرا به دیدارش می‌شتافته‌اند.

اندیشه‌های صدرا تدریجاً شناخته شده و روآمد. ظاهراً آن دهانه فرهنگ که این آب جاری زیرزمینی از آنجا کاملاً ظاهر شد و بر همه پدیدار گشت مرحوم آقا محمد بیدآبادی است. وی مطابق نقل روایات فردی فوق‌العاده زاهد، متقی، باگذشت و ایثارگر ساده زیست بوده است. آقای آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتب خود از او به عنوان یک عارف سالک یاد می‌کند او واقعاً مردی اخلاقی و مهذب بلکه سالک بوده است. در سال ۱۳۵۲ شمسی دو رساله کوچک از وی در سیر و سلوک به زبان فارسی به وسیله آقای مدرسی طباطبایی از افاضل قم، ضمیمه مجله وحید، چاپ شد.

روح اخلاقی و عرفانی بیدآبادی موجب اعراض او از توجه به صاحبان زر و زور بود. آنها به او روی می‌آوردند و او اعراض می‌کرد. بیدآبادی شاگردان بسیاری پرورش داده است که عن قریب از آنها یاد خواهیم کرد و در سال ۱۱۹۷ ه. ق. درگذشت» (۲)

استاد شهید در طبقه ۲۸ به ذکر ۳ تن از مهم ترین شاگردان بیدآبادی می پردازد و در باره ملاعلی نوری می نویسد:

«از بزرگ ترین حکمای الهی اسلامی و از افراد معدود انگشت شمار سه چهار قرن اخیر است که تا عمق فلسفه صدرایی نفوذ کرده اند. ملاعلی نوری از نظر تدریس و تشکیل حوزه درسی و تربیت شاگردان و طولانی بودن مدت کار تدریس و تربیت شاگرد (گفته شده قریب ۷۰ سال) و ترویج علوم عقلی کم نظیر و شاید بی نظیر است...^(۳) اهمیت کار مرحوم بیدآبادی از سخنان فوق به خوبی آشکار می شود و البته با مراجعه به کتاب جناب صدرایی آشنایی بیشتری با «آشنای حق» حاصل خواهد شد.

از آنجا که آقای صدرایی باب های دوم و سوم را به اختصار برگزار کرده اند، توضیحاتی در باره مطالب ایشان ارائه می گردد. امید است مورد قبول واقع شود.

۱- در ص ۵۲ از سید محمد موسوی شاهاندرستی اصفهانی شمس آبادی (شاگرد حکیم) یاد شده و احتمال داده شده که وی همان سید محمد لاریجانی مازندرانی فقیه متوفای ۱۲۶۶ ه.ق. و مدفون در تخت فولاد باشد.

این احتمال صحیح نیست و شخصیت مورد نظر متوفای سال ۱۲۴۸ ه.ق. است و در وادی السلام نجف مدفون می باشد. فرزند وی سید محمدعلی موسوی م. ۱۲۸۸ ه.ق. و صاحب مبانی الاحکام که در کتاب مذکور شده و فرزند او سید عبدالله و همین طور فرزند سید عبدالله، سید محمد ابراهیم، همگی از علمای اصفهان بوده اند و در جوار سید محمد مزبور و در وادی السلام مدفون می باشند.^(۴) و سید محمد ابراهیم نیز پدر شهید مظلوم آیه الله سید ابوالحسن شمس آبادی است که به دست دشمنان رو سیاه ولایت به شهادت رسید و در ابتدای گلزار شهدای اصفهان مدفون و مزارش محل زیارت خاص و عام است.

۲- در ص ۴۵ از میر سید علی میر محمد صادقی فرزند میر محمد باقر مدرس اصفهانی بن محمد صادق نام برده شده. شخصیت فوق پدر فقیه و اصولی محقق و نامدار میر سید حسن مدرس مطلق (استاد میرزای شیرازی و میرزا محمد هاشم چهارسوقی و بسیاری از علمای دیگر) است و لقب مدرس نیز برای میر محمد باقر

غلط است چرا که این لقب مربوط به فرزند میر سید علی است. هم چنین میر محمد باقر فرزند سید اسماعیل واعظ است نه محمد صادق. (۵)

۳- در ص ۷۵ از ملا مهدی کرمانشاهی اصفهانی نام برده شده و در پاورقی می نویسد:

شرح حال وی در کتاب وحید بهبهانی، ص ۳۳۲ و کرام البرره، بخش مخطوط موجود است. در صفحه مزبور کتاب وحید تنها می نویسد که مطابق نوشته آن کتاب (انساب وحید) دختر دیگر آقا محمد علی (بهبهانی) همسر عالم فاضل ملا محمد مهدی کرمانشاهی بوده است و هیچ توضیح بیشتری در آن کتاب نیامده است. شخصیت فوق مرحوم آخوند ملا محمد مهدی کرمانشاهی، جدّ دوم شهید محراب آیت الله شیخ محمد صدوقی یزدی است وی فرزند ملا ابوطالب و او فرزند ملا محمدرضا فرزند آخوند ملا مهدی است. وی توسط فتحعلی شاه قاجار از کرمانشاه به یزد تبعید گردیده و در سال ۱۲۳۶ ه. ق. در آن شهر دار فانی را وداع گفته است.

نسب وی چنانچه بر سنگ مزار او حک شده به جناب رئیس المحدثین، شیخ صدوق منتهی می شود. عبارت سنگ مزبور که نشان دهنده مقام علمی و معنوی صاحب ترجمه نیز می باشد به نقل گنجینه دانشمندان و آثار الحجه چنین است:

«هذا مغرب شمس الهدایة و الکمال، و مغیب بدر الحکمة و الفضال، قطب فلک العرفان، و نقطة دایرة المعرفة و الايقان، مجمع الخصوصیات العلیّة، و منبع الافاضات السنیّة، جامع مراتب الحکمة و الاجتهاد، و حاوی مسالک الهدایة و الرشاد، افضل الفضلاء السابقین، و اعلم العلماء الملاحقین... الَّذی کان فی التحقیق نطوق، کیف و هو من نجل الصدوق، عمدة المحققین، و زبدة المدققین، الواصل الی جوار رحمة الله الملك الغنی مولانا محمد مهدی الكرمانشاهی اعلى الله مقامه فی شهر جمادی الثانیة من شهور ۱۲۳۶ ه. ق. (۶)»

۴- در ص ۱۶۵ به خواب بیدآبادی در جلالت میر معصوم اشاره شده ولی هیچ توضیحی در باره آن سید جلیل القدر ارائه نشده است.

وی میر معصوم حسینی خاتون آبادی متوفای ۱۱۵۵ ه. ق. فرزند میر

عبدالحسین خاتون آبادی (مؤلف وقایع السنین و الاعوام و برادر حکیم میر محمد اسماعیل خاتون آبادی معاصر علامه مجلسی) است. مجتهدۀ نامدار اصفهانی، بانو امین، از نوادگان آن عالم ربانی است.

ماده تاریخ وفاتش:

زهد معصوم چون حدیثش بود باد او شافعی به لطف و کرم
۵- در ص ۱۷۲ (بازماندگان بیدآبادی) سنّ مرحوم میرزا یحیی مدرس ۵۹ سال ذکر شده که صحیح آن ۹۵ سال است.

۶- در ص ۱۷ آمده که محمد رفیع پدر بیدآبادی در تخت فولاد در جنب شرقی تکیه آقا حسین خوانساری مدفون گردیده.

قبر مولی محمد رفیع در همان اتاقی واقع گشته که قبر بیدآبادی در آن است و البته آن عمارت در جنب شرقی تکیه مزبور است. هر چند عکس عمارت مزبور در کتاب و پشت جلد کتاب چاپ شده ولی هیچ توضیحی در باره مدفونین در آن نیامده که لازم بود هر چند مختصر توضیح داده شود. قبر میر معصوم خاتون آبابی که بیدآبادی وصیت کرده بود وی را در جوار او دفن نمایند در خارج عمارت و پیش روی مرحوم بیدآبادی است و در داخل عمارت علاوه بر پدر و پسر (بیدآبادی) قبر حکیم الهی شیخ محمود مفید آخرین مدرس حکمت در اصفهان متوفای ۱۳۸۲ هـ ق. و نیز قبر مرحوم میرزا محمدعلی ساروی مازندرانی مؤلف توضیح الاشتباه والاشکال واقع گشته است. قبر برادر شیخ محمود مفید، جناب شیخ علی مفید (م. ۱۳۴۵) که از فقها و علمای جامع اصفهان بوده متصل به دیوار عمارت است.

۷- در ص ۴۹ آمده که ملا علی اکبر اژه‌ای (شاگرد بیدآبادی) در تخت فولاد در درب تکیه میرزا ابوالعمالی مدفون است. مرقد مطهر ایشان در حوالی (بالا سر) قبر جناب محقق خواجه‌نوی واقع گردیده.

۸- در پایان تذکر این نکته ضروری است که در اصفهان عارف بزرگ دیگری معروف به بیدآبادی و با نام محمد جواد وجود داشته که لازم بود مؤلف محترم جهت مشتبه نشدن مطلب به آن تذکر دهند چنانچه این تذکر بجا را مرحوم علامه سید محمد حسین تهرانی در کتاب روح مجرد انجام داده است. ایشان می‌نویسد:

«آقا محمد بیدآبادی از عرفای مشهور است و صاحب مقامات و درجات، رحلتش در سنه ۱۱۹۷ هجریه قمریه است و حقیر کراراً بر سر مزارش رفته‌ام و مراد از بیدآبادی بطور مطلق اوست و اما آقا محمد جواد بیدآبادی از عرفای زمان اخیر بوده است و استاد والد صدیق مکرم حاج محمدحسن شرکت است. آقای حاج محمد حسن دام توفیقه گفت مرحوم پدر ما می‌گفت: آقا محمد جواد بیدآبادی را کسی نشناخت و خود مرحوم بیدآبادی یک بیت سروده بود که مرحوم پدرم یادداشت کرده بود:

صد گنج نمان بود مرا در دل و یاران نادیده گرفتند که این خانه خراب است» (۷)
 مرحوم شهید دستغیب در داستان‌های شگفت، داستان‌های متعددی از کرامات ایشان ذکر نموده‌اند. (۸)

پی‌نوشت‌ها

- ۱- البته سائیان پیش در مجله کیهان اندیشه، شماره ۱۱، ص ۴۴ مقاله جالبی در معرفی این حکیم بزرگ، با عنوان «آقا محمد بیدآبادی»، به قلم آقای سید عباس قائم مقامی، و سپس در شماره ۱۲ همان مجله، نقدی بر مقاله پیش گفته توسط آقای احمدیان‌پور به چاپ رسید که از فضل تقدم در این زمینه برخوردار است و ظاهراً مؤلف از وجود آن اطلاعی نداشته‌اند.
- ۲- خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۵۹۴-۵۹۵.
- ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۹۶.
- ۴- شرح حال رجال نامبرده در انتهای جلد دوم تحفة الابرار سید شفتی به قلم مرحوم سید مصلح‌الدین مهدوی به چاپ رسیده است.
- ۵- رجوع شود به: مجله «حوزه اصفهان»، ش ۱، مقاله «بزرگ‌مدرس دارالعلم اصفهان»، علی کرباسی‌زاده.
- ۶- گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۴۳.
- ۷- روح مجرد، ص ۲۹۵.
- ۸- متأسفانه در دو کتاب که در سال‌های اخیر در شرح حال آیه‌الله شاه‌آبادی نوشته شده داستان‌های مربوط به مرحوم محمد جواد بیدآبادی را به مرحوم محمد جواد حسین‌آبادی پدر آیه‌الله شاه‌آبادی نسبت داده‌اند که کاملاً اشتباه است.